



تیم ملی فوتبال ایران در آستانه تحولی تازه قرار دارد. پس از انتقادهای گسترده از عملکرد تیم در تورنمنت کافا و نگرانی‌ها پیش از آغاز مسیر سخت جام جهانی ۲۰۲۶، فدراسیون فوتبال تصمیم گرفت حلقه فنی اطراف امیر قلمه‌نویسی را تقویت کند. در میان نام‌هایی که مطرح شده‌اند، یک گزینه خارجی بیش از دیگران توجه‌ها را جلب کرده است: سالواتوره فوتی؛ مربی ایتالیایی که روزی کنار ژوزه مورینیو در رم می‌نشست و حالا در حال مذاکره نهایی برای پیوستن به تیم ملی ایران است. در ماه‌های اخیر زمزمه حضور او از رسانه‌های اروپایی به تهران رسیده بود. حالا گفته می‌شود گفت‌وگوها در دویی به مراحل پایانی نزدیک شده و اگر توافق نهایی شکل گیرد، فوتی ۳۷ ساله در جام جهانی دستیار نخست قلمه‌نویی خواهد شد.

اما این مربی ایتالیایی کیست که چنین رزومه‌ای دارد و چرا نامش در کنار فوتبال ایران قرار گرفته؟

■ **زلاتان جدید تا مهاجم فراموش شده**

فوتی در سال‌های نخست فوتبالش در ایتالیا، پدیده‌ای امیدبخش به نظر می‌رسید. فیزیک قدرتمند، قامت بلند و سبک بازی‌اش باعث شده بود رسانه‌های ایتالیایی او را «زلاتسان جدید» بنامند. او در تیم‌های پایه ایتالیا بازی می‌کرد و قرارداد حرفه‌ای خود را با سامپودریا بست اما آن درخشش اولیه خیلی زود خاموش شد. بیشتر دوران بازی‌اش را در قالب بازیکن قرضی در باشگاه‌های درجه ۲ و ۳ ایتالیا یا تیم‌های سوپرسی گذراند و تنها یک گل در سری A برای سامپودریا به ثمر رساند؛ همان گلی که حالا بیشتر به عنوان یادگاری در کارنامه‌اش باقی مانده است. فصل ۲۰۱۳ جراحی ناموفق روی پایش عملاً مسیر حرفه‌ای او را بست، آسیب‌دیدگی مزمن اجازه نداد دوباره به فرم سابق بازگردد و حتی در زندگی شخصی نیز درگیر عوارض آن شد. همان روزها جان لوکا زامبرونا، اسطوره فوتبال ایتالیا از او خواست در تیم چپاسو سوپیس بازی کند. اما بدن فوتی دیگر پاسخ نمی‌داد. او در ۲۵ سالگی کفش‌هایش را آویخت و خداحافظی از زودهنگام داشت که می‌توانست سرنوشتش را به کلی تغییر دهد.

■ **آغاز دوباره در دنیای مربیگری**

۳ سال پس از خداحافظی، فوتی تصمیم گرفت از مسیر دیگری در فوتبال بماند. او مدرک سطح B یوفا را گرفت و خیلی زود وارد دنیای مربیگری شد. نخستین تجربه‌اش در کنار مارکو جامپائولو بود، مربی باسابقه‌ای که او در سامپودریا، میلان و تورینو استفاده کرد. هم‌کاری آن ۲ بیش از ۱۵۰ بازی ادامه یافت و فوتی در این مدت توانست با ساختار فنی فوتبال ایتالیا آشنا شود و جایگاه خود را به عنوان یک مربی جوان و تحصیلکرده تثبیت کند.

سال ۲۰۲۲ هنگامی که یکی از دستیاران ژوزه مورینیو از رم جدا شد، نوبت به فوتی رسید تا روی نیمکت تیم محبوب پایتخت ایتالیا کنار آقای خاص بنشیند. او نزدیک به ۳ سال در کنار مورینیو کار کرده؛ ابتدا در رم، سپس مدتی در فنریاخچه ترکیه. طی این دوران، فوتی بیش از ۱۶۰ مسابقه در کادر فنی ژوزه حضور داشت و گاهی حتی به عنوان نفر اول روی نیمکت نشست.

زمان‌هایی که مورینیو به دلیل محرومیت حق حضور در کنار زمین را نداشت، این دستیار ایتالیایی بود که مقابل تیم‌های مانند میلان، اینتر و آتالانتا هدایت رم را بر عهده می‌گرفت. او در این تجربه‌ها طعم فشار واقعی را چشید و البته بی‌حاشیه هم نبود؛ او درگیری لفظی با بازیکن فابینود گرفته تا تهدید داوران در بازی جام حذفی مقابل کرومنزه که منجر به محرومیت یک‌ماه‌اش شد. با این حال، مورینیو بعدها در کنفرانسی رسمی یکی از پیروزی‌های تیمش را «به فوتی تقدیم کرد» و این جمله به نوعی مهر تأییدی بر اهمیت جایگاه او در کادر فنی رم بود.

■ **سکوت، انتظار و شاید مقصدی به نام ایران**

پس از پایان همکاری مورینیو با فنرباغچه و رفتنش به بنفیکا، نام فوتی نیز از تیرتراهو محو شد. او برخلاف بسیاری از همکارانش به پرتغال نرفت و تصمیم گرفت مدتی دور از میاهو بماند. تنها خبر قابل توجه از او مربوط به زمستان ۲۰۲۴ بود، زمانی که در فهرست گزینه‌های هدایت سلمپودیورایا قرار گرفت اما در همان مرحله مذاکره باقی ماند. حالا اما دوباره نامش مطرح شده؛ این بار نه در اروپا، بلکه در آسیا. مذاکرات او با فدراسیون فوتبال ایران در جریان است و منابع نزدیک به فدراسیون خبر از توافق اولیه می‌دهند. اگر این همکاری نهایی شود، سالواتوره فوتی برای دومین بار با سردار آزمون کار خواهد کرد؛ همان بازیکنی که در دوران حضورش در رم نیز زیر نظر او تمرین می‌کرد.

■ **چهره ایتالیایی برای بازسازی اعتماد**

حضور احتمالی فوتی در کنار قلمه‌نویی می‌تواند ترکیبی از تجربه اروپایی و دانش فنی مدرن را وارد تیم ملی کند. فدراسیون امیدوار است این تغییر نه تنها به ارتقای کیفیت تمرینات کمک کند، بلکه چهره تیم ملی را در جام جهانی تغییر دهد.

در شرایطی که منتقدان از نبود ایده‌های تازه در کادر فنی سخن می‌گویند، انتخاب یک مربی ایتالیایی با سابقه همکاری با نام‌هایی چون مورینیو، زامبروتا و جامپائولو می‌تواند گامی در جهت مدرن‌سازی ساختار تیم ملی باشد. هرچند هنوز همه چیز به امضا و توافق نهایی وابسته است اما اگر این پیوند شکل بگیرد، نیمکت ایران صاحب چهره‌ای می‌شود که از زلاتان تا مورینیو را از نزدیک دیده است و شاید بتواند روح تازه‌ای در تیم قلمه‌نویی بدمد.

وقتی فصل تازه لیگ برتر آغاز شد، کمتر کسی تصویری کرد تیم پرستاره استقلال باچنین چهره‌ای وارد هفته ششم شود؛ تیمی که بر اساس ارزش بازیکنانش، در صدر جدول ترانسفرمارکت قرار دارد اما در زمین، هیچ نشانی از اقتدار ندارد. حالا آبی‌پوشان بعد از تسلاوی برابر چادرملو اردکان، برای پنجمین بازی پیاپی از رسیدن به برد بازمانده‌اند و هواداران با چهره‌ای نگران، نیم‌بگاهی به آینده مبهم نیمکت تیم‌شان دارند.

استقلال در ورزشگاه تختی تهران برابر چادرملو، تنها توانست یک امتیاز بگیرد. همین تسلاوی کافی بود تا موج تازه‌ای از انتقادها علیه سرمربی پر تگالی تیم به راه بیفتند. آخرین باری که آبی‌ها طعم پیروزی را چشیدند، به هفته نخست لیگ برتر و دیدار مقابل تراکتور بازمی‌گردد؛ روزهایی که هنوز امید در سکوها زنده بود و کسی به فکر بحران نمی‌افتاد اما حالا از آن شروع توفانی فقط خاطره‌ای محو باقی مانده است.

در کارنامه این فصل استقلال، اعداد سرد و بی‌روح حقیقت را بهتر از هر تحلیل دیگری بازگو می‌کنند: ۶ بازی، یک برد، ۴ تسلاوی و یک شکست؛ تنها ۷ امتیاز از ۱۸ امتیاز ممکن. برای تیمی که در آغاز فصل، قهرمانی را هدف گرفته بود، این آمار چیزی جز زنگ خطر نیست. مهم‌تر اینکه استقلال از هفته دوم به بعد حتی یک بازی را بدون گل خورده به پایان نرسانده است. ضعف ساختاری خط دفاع و اشتباهات پیاپی در مرکز زمین، تیم ساپینتو را به یکی از آسیب‌پذیرترین نسخه‌های استقلال سال‌های اخیر بدل کرده است.

اما ناکامی‌ها فقط به لیگ محدود نمی‌شود؛ استقلال سوپر جام، لیگ آسیا و لیگ داخلی، هر ۳ جبهه را تجربه کرده و در همه آنها ناکام بوده است. در ۹ دیداری که ساپینتو تا اینجا آبی‌ها را هدایت کرده، تنها یک برد ایش ثبت شده و ۴ شکست تلخ، سایه سنگینی بر سر او انداخته است. شکست در سوپر جام برابر تراکتور، باخت در لیگ به استقلال خوزستان و ۲ شکست آسیایی مقابل تیم‌های نه‌چندان قدرتمند منطقه، مجموعاً تصویری ناامیدکننده از کارنامه مربی پر تگالی ساخته است.

بدترین لحظه این دوران اما بی‌شک به دیدار مقابل الوصل

طکسم اردکان

لیگ برتر ایران در شبی که قرار بود با پیروزی استقلال به پایان برسد، با نتیجه‌ای دیگر تمام شد. آبی‌های پایتخت در ورزشگاه تختی تهران مقابل چادرملو باز هم نتوانستند کاری از پیش ببرند و با تسلاوی یک – یک به تعطیلات هیفادی رفتند؛ تعطیلاتی که حالا شاید برای آنها فرصتی باشد تا از بحران بیرون بیایند یا نقطه‌ای برای تصمیم‌های بزرگ‌تر روی نیمکت تیم.

استقلال با امید فراوان به دیدار نماینده یزد در تختی تهران آمده بود تا ۳ امتیاز حیاتی را کسب کند و با آرامش به تعطیلات برود اما نمایش پرنوسان شاگردان ساپینتو و از دست رفتن

آخرین روز رقابت‌های پارادومیدانی قهرمانی جهان در هند برای ایران باشکوه به پایان رسید. کاروان کشورمان در روزی که بسیاری از رقابت‌ها سرنوشت‌ساز بود، ۲ بار دیگر طعم قهرمانی را چشید و جمع مدال‌های خود را به عدد ۱۵ رساند؛ روزی که نام مهران نگویی مجد و صادق بیت‌سیاح نیز به بر زبان‌ها افتاد. در رقابت پرتاب وزنه کلاس F 34 مران، مهران نگویی مجد، ورزشکار باتجربه و پرافتخار ایران، نمایش درخشانی داشت. او که پس از پشت سر گذاشتن ۴ سال دوری از میادین، دوباره به صحنه بازگشته بود، با روحیه‌ای مثال‌زدنی وارد میدان شد. نگویی مجد در میان حرف‌های از کشورهای صاحبانی چون چین، قطر، ترکیه، روسیه و لیتوانی، رکوردی خارق‌العاده به جا گذاشت. پرتاب ۱۲ متر و ۳۷ سانتیمتری او نه تنها همه رقبا را پشت سر گذاشت، بلکه رکورد جهانی این ماده را نیز از تقا داد. این طلای درخشان، بازگشت پرافتخار قهرمانی بود که بیش‌تر ۲ نقره جهانی در کارنامه داشت و حالا با تجربه، مربی و انگیزه‌اش، بالاتر از همه ایستاد. ساعاتی بعد نوبت به رقابت پرتاب

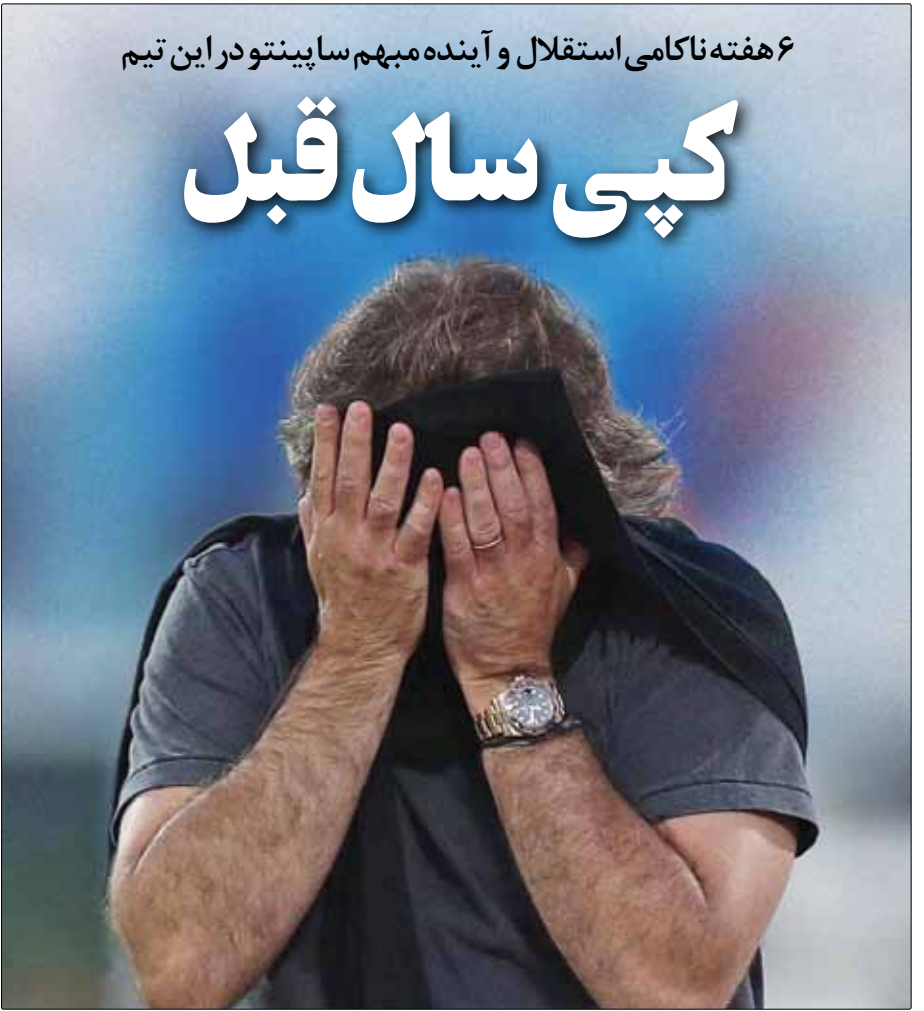
تقریباً یک سال و نیم گذشته اما انگار ۱۰۰ سال از آن روز دور شدیم؛ روزی که پرسپولیوس با شجاعتی بی‌ماند برابر استقلال خوزستان به صدر جدول بازگشت و دیگر پایین نیامد که نیامد.

شبی که تعقل بر شور احساسی غلبه کرد، مدیریت بازی، استادانه پیش رفت و شاهد تعویض‌هایی بودیم که جایش در فوتبال ما خالی است.

همان بازی تاریخی که فرزین گروسیان در دروازه حریف بود و پرسپولیوس با وجود عقب افتادن ۳ بر صفر، در نیمه دوم با اراده و جسارت، بازی را برگرداند. آن شب، کلید پیروزی تنها یک پنتالتی معمولی بود که وحید امیری گرفت اما تیمی که در زمین می‌جنگید و از تمام داشته‌هایش استفاده می‌کرد، نتوانست ناممکن را ممکن کند. آن شب بعد گل دوم، اوسمار ویرا نکفت اگر تیمم را جلو بکشم ممکن است چهارمی را هم بخورم. وقتی بازی مساوی شد نکفت استقلال هم در قافشهشر متوقف شده، پس ریسک نکنم. او با ندست قهرمانی بر قهرمانی می‌کرد، حمله کرد و خودش را برد در قلب تاریخ پرسپولیوس. کلا کارهای بزرگ، دل‌های بزرگ می‌خواهد.

■ **از آن شب تا جععه‌شب**

امروز اما همه چیز متفاوت است. پرسپولیوس نه تنها ستاره‌هایش را از دست داد، بلکه با هر پنجره نقل و انتقالی آب رفت، لاغر شد. از مهدی ترابی تا دانیال اسماعیلی‌فر؛ جای خالی آنها هر روز بیشتر



امارات برمی‌گردد؛ جایی که استقلال با نتیجه عجیب ۷-۱ شکست خورد و آن شب تلخ را به عنوان سنگین‌ترین باخت تاریخ خود در ذهن هواداران ثبت کرد. آن شکست نه تنها غرور

موقعیت‌های متعدد، بار دیگر به بن‌بست ختم شد. گل چادرملو همه معادلات آبی‌ها را بر هم زد و در حالی که انتظار می‌رفت فشار فنی و کیفیت فردی بازیکنان نتیجه را برگرداند، بازی تنها با گل حدادی با تسلاوی متوقف شد تا صدای ناراضیانی از سکوها بلندتر شود. شایعات درباره آینده ریکاردو ساپینتو به اوج رسیده است. در فضای رسانه‌ای زمزمه‌هایی از احتمال پایان همکاری او با استقلال شنیده می‌شود، هر چند باشگاه هنوز موضع رسمی خود را اعلام نکرده است. مدیران استقلال فعلاً در سکوتند و تصمیم نهایی‌شان را به بعد از وقفه لیگ موکول کرده‌اند.



نیزه کلاس F 14 مردان رسید. صادق بیت‌سیاح، ملی‌پوش پرتوان ایران، با پرتابی به طول ۴۸ متر و ۸۶ سانتیمتر، طلای دوم روز پایانی ایران در هند بود؛ کاروانی که با تلاش ستودنی ورزشکارانش، جمع مدال‌های خود را به ۱۵ رساند. حاصل حضور نمایندگان ایران در این



چگونه پرسپولیس با هاشمیان به این روز افتاد؟

کاملاً قابل حدس بود

حس می‌شود و بازیکنان تازه‌وارد نتوانسته‌اند همان کیفیت را ارائه کنند. حیف آن تیم که حفظ نشد و حالا تنها دلخوشی خیلی‌ها این شده که دست کم ترابی و دانیال در تبریز تمدید نکنند و برگردند! می‌گویید نه، از تک‌تک هواداران بپرسید.

■ **در دنیای وحید چه می‌گذرد؟**

وحید هاشمیان در کنفرانس‌ها از شجاعت و بازی خوب تیمش سخن می‌گوید اما واقعیت در زمین چیز دیگری است. تیمی که مقابل دفاع فشرده حریف تنها به پس‌های عرضی بسنده می‌کند و در بهترین حالت ۳-۲ موقعیت گل در طول بازی به دست می‌آورد، چگونه می‌تواند به قهرمانی فکر کند؟ در فوتبال امروز شانس برد با ایجاد چند موقعیت مختصر گل خلق نمی‌شود؛ تیمی موفق است که دست‌کم ۱۰ بار با قدرت در یک نیمه به دروازه حریف یورش برد و او را مجبور به اشتباه کند اما فاصله حملات جدی



می‌شوند و هیچ نقشی هم در تصمیمات و انتصابات جایی که می‌گویند صاحبش هستند، ندارند! درویش که همواره از نزدیک بازی‌های تیمش در تهران را تماشا می‌کرد و همیشه مشتری پر و پا قرص خبرنگاران در ورزشگاه بود، در این فصل پس از گذشت ه هفته از لیگ همچنان خود

داشندند تا یک گروه منسجم. در چنین شرایطی، طبیعی بود صندلی ساپینتو بلرزد. گزارش‌ها از باشگاه استقلال حاکی از آن است پیش از دیدار با چادرملو، مدیران باشگاه به سرمربی پر تگالی هشدار داده بودند: «با پیروزی یا پایان کار». تسلاوی در آن بازی هرچند شکست نبود اما نتوانست عطش هواداران و مدیران را فروبشانند. حالا او در موقعیتی ایستاده که هر مسابقه می‌تواند آخرین فرصتش باشد.

با این حال، تقویم لیگ برتر یک فرصت موقت به ساپینتو داد. تعطیلی ۲ هفته‌ای به خاطر بازی‌های ملی، شاید به او مجال دهد تیمش را دوباره جمع‌وجور کند و روحیه از دست‌رفته را بازگرداند. در داخل باشگاه هم عده‌ای هنوز معتقدند باید فرصت بیشتری به او داد؛ مربی‌ای که ۳ فصل قبل با شور و هیجان روی نیمکت می‌نشست و انرژی بالایش مورد توجه بازیکنان بود، حالا آن حرارت در چهره‌اش کمرنگ شده است.

آینده استقلال بیش از هر زمان دیگری مبهم است. تداوم نتایج ضعیف می‌تواند مدیران را به تصمیمی سخت سوق دهد؛ تصمیمی که شاید پایان کار ریکاردو ساپینتو در فوتبال ایران باشد. از سویی دیگر، سرمربی در میانه فصل ریسک بزرگی است، بویژه برای تیمی که ساختار مدیریتی‌اش ثبات چندانی ندارد.

در میان هواداران، ۲ دیدگاه شکل گرفته است: گروهی خواهان قطع همکاری فوری با سرمربی پر تگالی هستند و گروهی دیگر معتقدند مشکل تیم فراتر از نیمکت است و ریشه در سیاست‌های مدیریتی و جذب بازیکنان دارد. در هر صورت، استقلال امروز بیش از هر چیز نیازمند آرامش، نظم و یک تصمیم شفاف است. تصمیمی که مسیر آینده را مشخص کند؛ پیش از آنکه فرصت‌های باقیمانده هم از دست برود.

ریکاردو ساپینتو حالا شاید آخرین امیدش را در همین هیفادی جست‌وجو کند؛ فرصتی کوتاه برای بازسازی تیمی که از نظر روحی و فنی فرسوده و منززل به نظر می‌رسد. اگر بتواند در بازگشت از این وقفه، تیمش را به مسیر پیروزی بازگرداند، شاید فصل هنوز برایش زنده بماند اما اگر دوباره لغزشی دیگر در راه باشد، پایان داستان مشخص است: خداحافظی بی‌سروصدا با نیمکتی که روزی با شور و اشتیاق تصاحبش کرد.

بازیکنانش باعث شده هواداران این تیم به ادامه مسیر فصل امیدوار باشند. چادرملو در میانه جدول قرار دارد اما روند صعودی آنها نوبد روزهای درخشانی را می‌دهد. برای استقلال اما هر مسلاوی مثل یک شکست است. تیمی با آن همه ستاره و هزینه، در موقعیتی قرار گرفته که تسلاوی برابر چادرملو تبدیل به بحران می‌شود. اگر ساپینتو در تعطیلات پیش رو راهی برای بازگرداندن اعتماد به نفس تیمش پیدا نکند، احتمالاً هیفادی برای او معنای دیگری خواهد داشت؛ شاید آخرین فرصت برای ماندن بر نیمکتی که دیگر امن به نظر نمی‌رسد.

رقابت‌ها، ۹ مدال طلا، ۲ نقره و ۴ برنز بوده؛ آماری که جایگاه ایران را با مقام سوم در میان قدرتهای پارادومیدانی جهان تثبیت کرد. مثال‌آور طلایی ایران در این رقابت‌ها شامل مهران نگویی مجد، یاسین خسروی، علی بازیار، سیدعلی اصغر جوامعردی، حسن باجووند، امیرحسین غلبیور، اهام صالحی، سعید افروز و صادق بیت‌سیاح بودند. مدال‌های نقره نیز به نام مهدی اولاد و هاجر صفرزاده ثبت شد و عرفان بندری، امان‌الله پایی، اهام صالحی و زینب مرادی نشان برنز بر گردن آویختند.

روز پایانی قهرمانی جهان برای پارادومیدانی ایران بیش از یک پایان بود؛ یادآور مسیری که از سختی‌ها و ایستادگی ساخته شد. بازگشت نگویی مجد پس از سال‌ها دوری، درخشش بیت‌سیاح در برابر بهترین‌های جهان و اتحاد کاروان تیم ملی، تصویری ماندگار از اراده و ایمان را به جا گذاشت. هنر بازی ایران فقط یک میزبان نبود، بلکه صحنه تولدی دوباره برای قهرمانانی بود که با طلا مسیر آینده را روشن کردند.

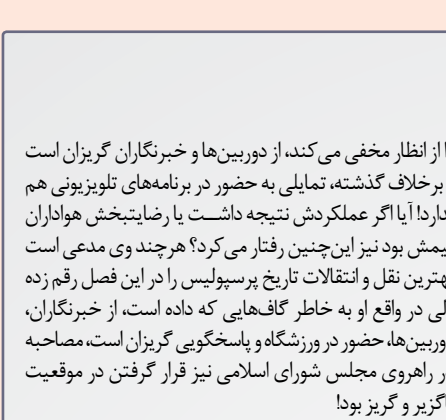
مدیریت شجاعانه یعنی اعتماد به چنین مربیانی، نه انتخاب نام‌های بزرگ برای فرار از انتقاد هواداران. پرسپولیوس امروز نه پیشرفت فردی در بازیکنانش دارد، نه برنمایی مشخص و شجاعانه در زمین برای گلزنی.

مصداقیت‌های بی‌دریی، بازیکنان ناآساده و روش‌های محافظه‌کارانه همه دست‌به‌دست داده تا تیمی که روزی شجاعت را معنا می‌کرد، حالا خسته و بی‌رقم به نظر برسد.

اما به دور از هر حاشیه یا سیاه‌نمایی حقیقتاً با این وضعیت، موفقیت پرسپولیوس خودش یک معجزه است. در بازی خانگی، یک ساعت قبل شروع، سکوها یکصداهایه درویش شعار می‌دهند، در حین بازی این انتقادات فرونی یافته و سپس به وحید هاشمیان تسری پیدا می‌کند. چرا باید در چنین فضایی یک تیم موفق شود؟ این بستر مناسب زمین بایری است که خاکش سال‌ها ب نخورده؛ عاری از مواد معدنی است. حالا هی بثر بکارند و بخوانند آب را پمپاژ کنند. بعداً است حتی به روش گلخانه‌ای هم بشود در این وضعیت به محصول رسید! خاک خوب، آب به اندازه، نور کافی و بذر عالی باید همه و همه کنار هم مهیا باشند؛ تازه اگر بعداً آفت به مزرعه نزنند!

چه با ماندن این کادر فنی و مدیریتی، چه با تعویض توأمان هر دو بعداً است ناگهان زندگی شیرین شود. درست شبیه همان داستان فصل قبل. شاید دل خیلی‌ها خنک شود اما آن هم مقطعی و گذراست.

تیم خوب، به‌شاهش با مربی خوب شروع و تمام می‌شود. هر کس هر آدرس دیگری داد، یا جاهل است یا کاسب.



علاوه بر عملکر انتقادآمیز مدیرعامل پرسپولیوس، وضعیت و نتایج این باشگاه، صحبت‌های سیدجلال حسینی (کاپیتان و مربی سابق قرمزپوشان) و افشاگری او از برخی معضلات مدیریتی درویش دامنه اعتراضات را علیه او بیشتر و کار را برایش سخت‌تر می‌کند ولی اصرار او بر ماندن تعجب بیشتری برمی‌انگیزد!